



یکی از مسائل مهم دوره صفویه، بحث اصولی‌گری و اخباری‌گری است. در این دوران، پس از استقرار مذهب تشیع در ایران، مسائلی اتفاق افتاد که پیامدهای سیاسی خاصی داشت، از جمله می‌توان بحث اصولی‌ها و تعارض آنان با اخباری‌ها را مطرح کرد. اشعارای به پیشینه این بحث باعث درک بهتر این چالش می‌شود. پس از پایان یافتن نیابت چهارمین نایب خاص امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در دوره غیبت صغرا، این سوال مطرح شد که پس از این، تکلیف شیعیان چه خواهد شد. این سوال منسوب به «سحاق بن یعقوب» است که از حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پرسید: «ما در حوادث واقعه به چه کسی مراجعه کنیم؟» آن حضرت فرمودند: «فاثا الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه احادیثنا» در حوادث واقعه، به روایان حدیث ما مراجعه کنید.» اینگونه احادیث، در کنار اده عقلی، بر وجوب تقلید دلالت می‌کنند، زیرا «فارجعوا» صیغه امر است و قاعدتاً به معنای وجوب است. ۲ عنوان «حوادث واقعه» و «روایان حدیث» به بحث نیاز دارد.^(۱) مراد از حوادث واقعه، مسائل جدید است و مستحدثه است که این اصطلاح در مقابل حوادث سابقه و مسائلی است که در قدیم هم مطرح بوده‌اند. وقتی حضرت می‌فرمایند در حوادث واقعه و جدید به روایان حدیث مراجعه کنید، مراد ایشان، اجتهاد روایان حدیث در آن مسائل است، زیرا این مسائل در قدیم مطرح نبوده‌اند؛ از این رو روی حدیث باید از طریق می‌پردیث. از قرن ششم هجری به بعد، شیعیان خواهی اجتهاد را استعمال کردند. مکتب قم در قرن‌های چهارم و پنجم هجری با بزرگانی مانند «شیخ صدوق» بیشتر توجه خود را به حدیث معطوف کرد. در سوی دیگر، مکتب بغداد به رهبری علمایی چون شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی، غالباً به توجیه عقلی نقل پرداخت؛ از این رو آن را مکتب عقل‌گرا نامیدند. یک توجیه‌جامعه‌شناختی درباره منشأ شکل‌گیری مکاتب فوقی این است که بغداد در آن زمان محل

خود جای داده‌اند، در خصوص منابع، دیدگاه‌های مختلفی را ارائه کرده‌اند. اخباریون افراطی، حدیث را تنها منبع معتبر می‌شناسند، زیرا در دیدگاه اینها، فقط معصومین علیهم‌السلام مخاطب قرآن هستند و غیر معصوم نمی‌تواند از این کتاب الهی استفاده کند؛ پس کتاب نمی‌تواند برای ما حجت باشد و باید به احادیث ائمه علیهم‌السلام مراجعه کنیم. آنها اجماع را هم معتبر نمی‌دانند، زیرا آن هم به معصوم مربوط است. به نظر این گروه، عقل نیز معتبر نیست، چرا که عقل نمی‌تواند درباره آیات و احادیث اظهار نظر کند. در این‌باره می‌توانیم طیفی را در نظر بگیریم که در یک طرف آن اصولی‌ها و در طرف دیگرش اخباری‌ها قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که هر چه به وسط این طیف نزدیک‌تر شویم، اعتدال بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر، در بین اصولی‌ها و اخباری‌ها، افراط و تفریط به چشم می‌خورد.

۲- تفاوت دیگر اخباری‌ها با اصولی‌ها مربوط به نوع تقسیم جامعه است؛ اخباری‌ها مردم را به ۲ بخش «محدث» و «مستمع» تقسیم می‌کنند. صنف‌محدث این‌رو در آنجا مکتب‌اهل حدیث تشکیل شده، البته این‌طور نیست که هر کس در قم بود، جزو مکتب اهل حدیث و هر کس در بغداد زندگی می‌کرد، جزو مکتب عقل‌گرا به شمار آید؛ مثلاً «شیخ کلینی» در بغداد حضور نداشت ولی جزو مکتب بغداد بود. در این مقطع زمانی، کتب اربعه شیعه تدوین شد: «شیخ صدوق» از مکتب اهل حدیث، کتاب من لا یحضره الفقیه را نوشت و عقل‌گرایان ۳ کتاب دیگر، یعنی تهذیب، استبصار و کافی را تألیف کردند. در این دوره، این دودستگی تنها از لحاظ نظری و علمی بود و موجب نزاع و دودستگی اجتماعی نشد. توضیح بیشتر اینکه طرفداران مکتب قم معتقد بودند ما وظیفه داریم تکالیف و مسائل خود را از احادیث به دست آوریم. در مقابل، دیدگاه مکتب عقل‌گرا این بود که لازم نیست پاسخ همه مسائل جدید را در احادیث جست‌وجو کنیم؛ حدیث به ما می‌گوید پاسخ‌های‌تان را؛ از علما بگیرید و علما نیز باید از طریق اجتهاد و استنباط (برگرداندن فروع به اصول) در متون دینی، پاسخگوی مسائل جدید باشند. از بین ۲ مکتب فوق، عملاً مکتب بغداد توسعه یافت. در دوره‌های بعدی، عالمانی مانند «ابن‌اردیس»، «محقق حلی»، «علامه حلی»، «خواجه میرالدین طوسی»، «شهید اول» و «ابن‌فهد حلی» جزو مکتب عقل‌گرا قرار گرفته، آن را توسعه دادند. رابطه اهل حدیث و عقل‌گرایان که در ابتدا صرفاً با یکدیگر اختلاف دیدگاه داشتند، در دوره صفویه به یک نزاع جدی و پرحاشیه تبدیل شد. «ملا محمدامین استرآبادی» از سران اخباری‌ها، حملات تندی را متوجه علمای اصولی، مانند علامه حلی کرد.^(۲) وی تقسیم حدیث به صحیح، حسن، ضعیف و… را اشتباه خواند و گفت: باید همه احادیث را پذیرفت. این رده‌ای بر نظر علامه به شمار می‌رفت که اخبار را تقسیم کرده بود. در مقابل، گروه دیگر، «علمای اصولی» خوانده می‌شدند که از اصول فقه استفاده می‌کردند، این در حالی بود که اخباری‌ها معتقد بودند اصول فقه، ساخته اهل سنت است و نباید شیعه از آن بهره گیرد.

■ **تفاوت اصولی‌ها با اخباری‌ها در حوزه فقه سیاسی**
در بیان تفاوت‌ها میان اخباری‌ها و اصولی‌ها برخی به ۴۰ مورد اشاره کرده‌اند. ابتدا موارد مهم را ذکر کرده، سپس نتایج سیاسی آنها را نیز بررسی می‌کنیم. ۱- از دیدگاه اصولیون، ادله یا منابع به ۴ دسته تقسیم می‌شوند: کتاب، سنت، اجماع و عقل. اخباریون که طیف گسترده‌ای از افراد افراطی و غیر افراطی را در رسیدن به توافق و رفع تحریم‌ها می‌دانست اما بعد از توافق به دلیل عدم پایبندی آمریکا به توافق و برآورده نشدن انتظارات دولتمردان از توافق، دولت به وعده و وعیدهایش از جمله بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی و اشتغال‌زایی نتوانست جامه عمل بپوشاند در نتیجه برای اقناع افکار عمومی جامعه از برجام به‌عنوان «توافق امنیتی» یاد کرد تا ضمن ترساندن مردم از کاندیداهای احتمالی ریاست جمهوری، از این طریق خود را به‌عنوان «ناجی ملت» نشان داده و در انتخابات پیش رو بکه‌تازی کند به همین دلیل از برجام «جوان‌مرگ» شده به‌عنوان یک دستاورد بزرگ و برگ برنده یاد می‌کند به‌طوری‌که رئیس‌جمهور یک روز آن را فرستاده خدا می‌داند و یک روز آفتاب تابان و فتح‌الفتح و روز دیگر توافقی می‌داند که محصول آن «امنیت ملی» بوده است. سخنان دولتی‌ها در حمایت از برجام و آرایش غلیظ آن در حالی بوده می‌گیرد که این تعاریف اغراق‌گونه برای افکار عمومی و ملت ایران نخبه‌است و قاطبه ملت به عدم کارآیی برجام در رفع مشکلات داخلی و خارجی واقف هستند و نیک می‌دانند موشک‌های سپاه و اقتدار

نگاهی کوتاه به دو مکتب تأثیر گذار در فقه شیعه

چالش تاریخی اصولی‌ها و اخباری‌ها

■ نجف لک‌زایی ■

حدیثی در دوره صفویه شد که عبارت است از: الف- وافی، اثر فیض کاشانی ب- وسائل الشیعه، اثر شیخ حر عاملی پ- بخاراالانوار، اثر علامه محمدباقر مجلسی نزاع دیگری که در عصر صفویه پیش آمد و البته با نزاع اخباری و اصولی نیز بی‌ارتباط نبود، درباره همکاری با سلطان جائر شیعی، یعنی حکومت صفویه بود. از اوایل دوران صفویه، میان محقق کرکی و شیخ ابراهیم قطیفی، در باب همکاری با سلطان جائر و قبول هدیه او اختلافی در گرفت. شیخ ابراهیم قطیفی که از اخباریون آن دوران بود، رساله‌ای در نقد محقق کرکی نوشت و در مقابل، محقق کرکی نیز در رساله‌ای به نقد وی پرداخت. بحث پذیرش هدایای سلطان که از دوران صفویه آغاز شد، در دوره قاجاریه نیز ادامه یافت. محقق کرکی در پاسخ به اعتراض شیخ ابراهیم قطیفی، ۲ جواب (نقضی و حلی) ارائه کرد.

۱- **جواب نقضی**
محقق کرکی با استناد به اینکه امام حسن علیه‌السلام هدیه معاویه را پذیرفت، می‌گوید: نه من از امام حسن علیه‌السلام بالاترم و نه شاه طهماسب از معاویه بدتر است.

۲- **جواب حلی**
حقیقت آن است که امام حسن علیه‌السلام هدیه معاویه را نمی‌پذیرفت، بلکه ایشان معتقد بود اموالی که در دست معاویه قرار دارد، مربوط به بیت‌المال مسلمان است و باید در اختیار امام علیه‌السلام قرار گیرد؛ در واقع چون معاویه آن اموال را غصب کرده بود، باید به امام علیه‌السلام مسترد می‌شد. شاه طهماسب هم خود اعتراف کرد حاکم اصلی محقق کرکی است؛ از این رو اینطور نوشت: «محقق کرکی نایب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است و من از جانب او وکیل هستم».^(۳) به هر صورت، اختلاف میان اصولی‌ها و اخباری‌ها سرانجام به پیروزی اصولی‌ها ختم شد. «عجید بهیمنانی» مشهور به «ستاد کل»، از جمله کسانی است که در غلبه بر اخباری‌گری نقش بسیار مؤثری داشت. وی در آغاز حکومت قاجاریه از دنیا رفت. بعد از ایشان بزرگانی همچون «شیخ محمدجعفر کاشف‌الغطا»، «شیخ محمدحسن نجفی» (صاحب‌جواهر) و «شیخ مرتضی انصاری» را می‌توان از عاملان تسلط نگرش اصولی بر اخباری دانست. علاوه بر این، در دوره قاجاریه که ایرانیان با فرهنگ غرب آشنا شدند، پرسش‌های زیادی در سطح جامعه مطرح شد که همه از مسائل جدید و مستحدثه بودند و اخباری‌ها برای آنها جوابی نداشتند؛ از این‌رو این نگرش خود به خود دچار افول شده؛ البته تلاش‌هایی برای پاسخ به وضع موجود صورت گرفت ولی نتوانست دوام بیاورد. از باب نمونه فردی به نام «شیخ احمد احسانی» مدعی شد در این زمان باب حدیث بسته نیست و ما می‌توانیم پاسخ سوالات خود را از امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بگیرسیم. او در اندیشه خود ۴ رکن را مطرح کرد: خدا، پیامبر، امام معصوم و عالمی که قوه قدسی دارد. وی رکن چهارم را عالمی دانسته است که قوه قدسی او در قوه قدسی می‌تواند با امام ارتباط برقرار کند. بعداً این مساله از امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به سایر ائمه علیهم‌السلام نیز تعمیم یافت. پس از وی، شاکر دانش، «سیدکاظم رشتی» عقاید وی را به عنوان مذهب شیخیه مطرح کرد. با مرگ رشتی، تعداد مدعیان جانشینی وی و نیز مدعیان ارتباط با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف افزایش یافت. در آن دوران، «سیدعلی محمد شیرازی» مشهور به باب، مدعی شد هر کسی می‌خواهد با امام

زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ملاقات کند، باید از طریق من اقدام کند. بیگانگان، بویژه روس‌ها، وی را به این امر تحریک می‌کردند. او بعد از ادعای امام زمان بودن و پیامبری، بایی‌گری را ترویج کرد. پس از اعدام وی، پیروانش این جریان را ادامه دادند و مذاهب بهائیت و ازلی‌گری از آن منشعب شدند^(۴) در دوره «فتحعلی‌شاه قاجار» مجدداً برای مدتی نزاع اخباری‌ها و اصولی‌ها بالا گرفت ولی دوباره اخباری‌ها مغلوب شدند. از آن پس، اصولی‌های برجسته‌ای ظهور یافتند، همچون مرحوم آیت‌الله العظمی «شیخ محمدجعفر کاشف‌الغطا»، «محمدحسن نجفی» صاحب جواهر، «حاج محمدابراهیم کلباسی»، «سیدمحمدباقر شفتی» در اصفهان، «شیخ ابوالقاسم قمی» صاحب قوانین‌الاصول در قم و «سیدمهدی بحرالعلوم» در نجف، «فتحعلی‌شاه» سعی می‌کرد با علما رابطه خوبی داشته باشد. در دوره «محمدشاه» به دلیل افزایش نفوذ صوفی‌ها در حکومت، بویژه از طریق «میرزا آقاسی»، صدراعظم حکومت، رابطه شاه و علما تیره شد. در دوره «ناصرالدین‌شاه» به دلیل امتیازهایی که به بیگانگان داده می‌شد، تنش میان علما و حکومت بالا گرفت. در این‌باره می‌توان به اعتراض مرحوم آیت‌الله‌العظمی «لاعلای کنی» به واگذاری امتیاز به روس‌ها، صدور فتوای تحریم تنباکو از جانب آیت‌الله‌العظمی «میرزای شیرازی» و فعالیت‌های «سیدجمال‌الدین اسدآبادی» اشاره کرد. در این دوره، وضعیت علما در مقایسه با دوره‌های قبل تغییرات زیادی پیدا کرد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- افزایش قدرت سیاسی علما
۲- افزایش آثار مکتوب و علمی علما
۳- افزایش حوزه‌های علمیه در قم، تهران، اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز و عتبات
۴- گسترش نظام قضایی عالمان دینی در کنار دستگاه قضایی عرفی دولت
۵- در این دوره، منازل علما، مساجد و امامزاده‌ها جزو اماکن امن محسوب می‌شد و کسی حق تعرض به آنها را نداشت.

به هر حال، تغییرات فوق موجب رشد و بالندگی حوزه و علما شد و وضعیت مناسب‌تری برای مردم تدبیرن فراهم کرد. در واقع این امور را می‌توان از پیامدهای پیروزی اصولی‌ها بر اخباری‌ها دانست.

پی‌نوشت

۱- البته برخی این حدیث را به سبب وجود «سحاق بن یعقوب» و مجهول بودن وی، تعقیف کرده‌اند اما بسیاری نیز به حدیث تمسک کرده‌اند.
۲- برای آگاهی از ادعاهای اخباری‌ها ر.ک: محمدامین استرآبادی، القوانین‌المدنیة.
۳- درباره پیامدهای سیاسی دیدگاه‌های اخباری‌ها و اصولی‌ها ر.ک: محسن آل‌غفور، جایگاه سیاسی عالم دینی در ۲ مکتب اخباری و اصولی.
۴. ر.ک: سیدمحمدعلی حسینی‌زاده، اندیشه سیاسی محقق کرکی.
۵- برای آشنایی با چگونگی تأسیس فرقه بابیه می‌توان به خاطرات منتشرشده جاسوس روسیه در تهران است و نجف مراجعه کرد. مطالب این کتاب از نقش مؤثر این فرد در تشویق باب به تأسیس فرقه بابیه حکایت می‌کند. وی بعدها سفیر روسیه در تهران شد (ر.ک: کینیاز دالگورکی، خاطرات کینیاز دالگورکی).

منبع:

تحولات سیاسی- اجتماعی ایران معاصر، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

مسائل اقتصادی است دور کنند اما نباید فراموش کرد کشور در شرایط کنونی در گیر یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است و تهدید نظامی آمریکا، برای جمهوری اسلامی هیچ‌گونه مساله جدی‌ای نبوده و نیست و خود امریکایی‌ها هم می‌دانند دوران یزن و دررو تمام شده است و جمهوری اسلامی کسی را که بخواهد به ملت ایران تعرضی بکند، دنبال خواهد کرد. اما با این حال دولت تدبیر و امید به دلیل نداشتن کارنامه‌قابل قبول در حوزه فرهنگی و اجتماعی و بویژه حوزه‌های اقتصادی سعی دارد با استفاده از تبلیغات رسانه‌ای دروغین از برجام به‌عنوان توافقی که سایه جنگ را از سر مردم رفع کرده است یاد کرده و آن را به‌عنوان یک دستاورد بزرگ به افکار عمومی قالب کند تا بتوانند در روزهای که کشور به سمت انتخاب بزرگ پیش می‌رود برجام را در نگاه مردم سیاسی- امنیتی جلوه دهد تا ناتوانی‌ها و سوء مدیریت‌های خود را به حاشیه براند بنابراین دولت برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود بارها برجام را توافقی خواهد دانست که مانع جنگ شده است اما باید به دولتمردان گفت «همی‌شود تا آخر، برجام را به مردم فروخت». بس است دیگر! میزان رکود، تورم و بیکاری عیار سنجش عملکرد شمامت نه برجامی که توانمندی‌های کشور را ماله‌کشی و عقیم کرده است.

پنجشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۶

یادورقی ۲۲

متن کتاب «تبه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثه۱۱سپتامبر

دروغ بزرگ

مأموران FBI ۵ ساعت فیلمبرداری ویدئویی که توسط ۲ روزنامه‌نگار از داخل برج‌های مرکز تجارت جهانی و از خارج ساختمان تهیه شده بود را مصادره کردند. فقط ۶ دقیقه از فیلمبرداری که بر خورد نخستین هواپیما به ساختمان را نشان می‌داد به آنها برگردانده شد. این سند که به کمک آن می‌شد سقوط مرکز تجارت جهانی را بهتر فهمید مهر و موم شد. همچنین از شرکت ادیگو (Odig) خواست تا با مطبوعات گفت‌وگو نکنند. جالب توجه است تا بدانیم دقیقاً چگونه به آنها اخطار شد و چه اقداماتی برای محدود کردن تعداد افراد در برج‌ها در آن روز صورت گرفت. عینا، مقامات نظامی هر نوع گفت‌وگویی بین کارمندانشان و مطبوعات را منع کردند. بنابراین روزنامه‌نگاران نمی‌توانند از خلبانان جنگنده‌ها یا پرسنل پایگاه‌های نیروی هوایی در «بارکز دیل» یا «افوت» تحقیق کنند. کلنوں وکلای آمریکا، به نوبه خود، با آگاهی از اینکه محاکمات برای غرامات ناشی از حملات می‌تواند به برملا شدن اسرار رسمی بینجامد، اعلام کرد هر قاضی که سعی کند به نام خانواده قربانیان دست به اقدامات قانونی بزند را از فهرست قضایی خود خارج خواهد کرد. این ممنوعیت فقط ۶ ماه طول کشید که پس از آن بعضی آزمایش‌ها و بررسی‌ها مقدور نیستند. برزیدنت بوش شخصا با رهبران کنگره تماس گرفته و از آنان خواست با ایجاد کمیته تحقیقات درباره حوادث ۱۱ سپتامبر امنیت ملی را به خطر نیندازند. به خاطر حفظ ظاهر و همچنین ورق زدن صفحه (turning the page) رهبران کنگره تصمیم گرفتند تحقیقات مشترک از هر ۲ مجلس درباره اقدامات صورت گرفته از زمان ۱۱ سپتامبر به عمل آورند تا از حملات تروریستی جدید جلوگیری شود. در روز ۱۰ اکتبر، سناتور امنیت ملی را، کاندولیزا رایبس، مدیران شبکه‌های تلویزیونی مهم را به کاخ سفید فراخواند (ای بی‌سی، سی بی‌اس، سی‌ان‌ان، فاکسن، فاکسن نیوز، ام اس ان و ان بی‌سی) تا از آنها بخواهد با این موضوع با مسؤولیت برخورد کنند. اگر آزادی مطبوعات یک اصل است، از روزنامه‌نگاران دعوت به عمل آمد درباره اطلاعات قضاوت کرده و از پخش هر چیزی که برای امنیت مردم آمریکا مضر باشد خودداری کنند. مطبوعات نیز این پیام را به وضوح و روشنی دریافت کردند. بلافاصله ران گانتینگ سردبیر سیتی‌سان و دو گوتری سردبیر دیلی‌کوریر که جرأت کرده بودند از بوش انتقاد کنند، اخراج شدند. پروادا و ایزوستیا در دوران اتحاد شوروی سابق سخت در فشار بودند تا از مطبوعات آمریکایی در خدمت به برنامه‌های رسمی پیشی بجویند. آنها مساله پرداختن به وقایع را به کناری نهاده یا حتی فراهم کردن محلی که بتواند در آنجا مشکلات را بحث کرد، فراموش کردند.

این افتضاحی است که وجود یک سیستم تبلیغات و نه یک مطبوعات جدی و واقعی در یک جامعه دموکراتیک را برملا می‌کند.

ادوارد هرمان، استاد علوم سیاسی در دانشگاه پنسیلوانیا اظهار کرد: سرانجام پس از ۳۵ هفته، مباحثه، کنگره قانون مدحت و نیرومند

کردن آمریکا را به فراهم کردن ابزارهای مناسب مورد نیاز برای پیشگیری از تروریسم تصویب کرد (که نام اختصاری قانون USA PATRIOT

را به ما می‌دهد). این قانونگذاری استثنایی انواع آزادی‌های مدنی را به مدت ۴ سال به حالت تعلیق درمی آورد تا به دولت ایالات متحده ابزار

تعلیم مبارزه لازم به مظنون بودن از تروریسم، برای مظنونان ممکن است به صورت مخفی تا ۴ ماه در

بازداشت بمانند، در صورتی که دادستان کل بر

این باور باشد که آزادی آنها امنیت ملی یا اجتماع را به خطر می‌اندازد بدون محدودیت قابل تمدید

است. بلافاصله یکهزار و ۲۰۰ مهاجر به مدت نامعلومی با اتهامات افشا نشده بازداشت شدند. کنسولگری‌های خارجی از نقض حقوق اساسی

شهروندان کشورهای میزبانشان شکایت کرده‌اند، همانگونه که سر کنسول پاکستان در نیویورک

اظهار داشت: در اغلب موارد ما نه از هویت و نه از مکان بازداشت افراد کشورمان مطلع نیستیم.

ادامه دارد